

## قدسی شیرازی و حافظ

### دکتر منصور رستگار فسایی

«قدسی» تخلص شاعرانه مرحوم میرزا محمد، ابن مرحوم الحاج میرزا سلطان‌علی دارابی است که از سادات رفیع‌الدرجات و از خواص شاگردان شیخ مفید بود، فرصت‌الدوله شیرازی که هم‌درس و هم‌سال قدسی بود و قدسی خواهر وی را به همسری خود، درآورده بود، درباره وی می‌نویسد:

«اسم شریفش میرزا محمد ابن میرزا فتح‌علی، ابن میرزا سلطان‌علی از سادات رفیع‌الدرجات حسینی‌اند و ابا عن جد، فرمانروایی دارابجرد فارس را داشته‌اند و جناب «قدسی» اصلاً از بلده مذکوره است. ولی مولد و موطن او دارالعلم شیراز است. الحال (۱۳۱۱ ه.ق) که به تسوید این کلمات نگارش می‌رود، از عمرش بیست و پنج سال گذشته، از عهد صبا تا کنون، جاهد مناهج علم و صاعد معارج عمل است و از خواص شاگردان عالم عامل و نحریر فاضل، جناب شیخ مذکور است و در خدمت آن جناب از علوم ادبیه و کلام و حکمت و غیر ذلک، بهره‌ها برده و کتابی در کلمات و کرامات آن

<sup>۱</sup> فرصت‌الدوله شیرازی، تذکره‌ی دارالعلم، به تصحیح دکتر منصور رستگار فسایی، انتشارات دانشگاه شیراز،

استاد جلیل و مولای نبیل (شیخ مفید) نوشته و آن را «حظائر القدس» نام نهاده، کتابی دیگر تصنیف نموده، مشتمل بر تفسیر بفصل آیات و شرح بعض احادیث و مطالب دیگر از حکم و غیرها، مسمی به «فردوس الکمال»، علاوه که چشم حقیقینش بر علوم روشنایی یافته، تأثیر دست سحر آفرینش به خامه آشنایی گرفته، در نوشتن نستعلیق، بر خطوط متقدمین، خط نسخ کشیده و از شیوه‌ها، سبک میرعماد حسنی علیه‌الرحمه را اختیار نموده و طرز پسندیده‌ی او را که به طول زمان از میان رفته بود، پدیدار ساخته و رواج داده است، بالجمله با این که سال‌ها ريقه مودتش با این فقیر، مبرم بود در این اوان به مصاهرت نیز خویشی افزود و اکثر اوقات، علمی را که با هم از یک، مدرّس استفاده می‌نماییم، به مذاکره می‌پردازیم، در گفتن اشعار عربی و فارسی، صاحب ذوق سلیم و طبع مستقیم است، از لآلی منظوم که گاه‌گاه، از افکار ابکار خویش به سلک اشارت و عبارت، مرتب ساخته، دفتری پرداخته از قصیده و مسمط و مثنوی و غزل و رباعی ... این غزل حکمت‌آمیز به زبان پارسی (سره) ابداع نموده است:

که بن بود یزدان به جز خویش داند	در آن جا که ره نی، که ره می‌رساند
خرد آفرین را خرد کی برد پی	که دیدن به مهر فروزان تواند
به رخشنده خور، هر که بیننده تابد	همانا که بینایی او را نماند
چو تابنده مهر است و خشنود یزدان	که بر آفرینش فروزش رساند
بود جایگه بر سپهر بلندش	هر آن کس که از بند تن، جان رهاند
خرد جو، خرد جو که ز این خاکدانت	خرد بر بلند آسمان بر نشانند
همانا که نیروی «قدسی» به دانش	بداند هر آن کس که این چامه خواند <sup>۲</sup>

شعاع‌الملک در تذکره‌ی شعاعیه سخن تازه‌ای درباره‌ی زندگی قدسی ندارد و تنها بر خوش‌نویسی او تأکید گذارد:

«دعویش در خوش‌نویسی بی‌حد، در نوشتن خط نستعلیق دعوی میری کند و از همگان نکته‌گیری، شیوه‌ی خاص دارد که بر خودش اختصاص [دارد] و کتاب - آثار عجم را به مرکب چاپ، او نوشته ...»<sup>۳</sup>

مرحوم شیخ مفید، داور نیز که قدسی شاگرد و مرید او بوده است، کمال قدسی را در خط می‌ستاید و می‌نویسد:

«خط نستعلیق را خوب می‌نویسد، بلکه سرآمد اهل آن خط است و

به صاحب مرآت الفصاحه (شیخ مفید) انس زیاد دارد.»<sup>۴</sup>

مرحوم دیوان بیگی، در تذکره حدیقه‌الشعرا، ضمن آن که به برخی از خصوصیات شخصی و دوران جوانی قدسی توجه می‌کند، می‌نویسد:

«قدسی جوان ظاهرالصلاح آرامی است، و به تحصیل نزد جناب

شیخ مفید اشتغال دارد از وضع بیاناتش می‌رسد که سوای مراتب

تعلیم و تعلم، سمت اخلاص و مریدی هم دارد، طبع هم دارد و

اصرار در گفتن شعر و پیروی مضامین می‌نماید، بلکه گاهی هم

عرفان‌بافی می‌کند، لیکن هم اول عمر است، هم در شیراز، انجمن

شعرا منعقد نمی‌شود که تصحیح و تکمیل کنند، همین قدر است که

از روی طبع گفته می‌شود تا حظ و بخت و اشتها و اقبال چه کند.»<sup>۵</sup>

نکته مهمی که دیوان بیگی درباره‌ی قدسی بیان می‌کند آن است که «قدسی» در این

اواخر با اعیان سادات دشتکی شیراز که حالا به فسایی مشهوراند هم موصلت و

مناسبتی به هم رسانیده‌اند» و این نکته نشان می‌دهد که قدسی بعداً با خواهر

<sup>۳</sup> تذکره شعاعیه، به تصحیح دکتر محمود طاووسی، بنیاد فارسی‌شناسی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۲.

<sup>۴</sup> تذکره مرآة الفصاحه، شیخ مفید، «داور»، تصحیح دکتر محمود طاووسی، انتشارات نوید، ۱۳۷۱، ص ۵۰۰.

<sup>۵</sup> سید احمد دیوان بیگ شیرازی، حدیقه‌الشعرا، به تصحیح شادوران دکتر عبدالحسین نوایی، جلد دوم، ۱۳۶۵،

فرصت‌الدوله ازدواج کرده است که به قول فرصت «در این اوان به مصاهرت نیز خویشی افزوده است.»<sup>۶</sup>

مرحوم رکن‌زاده آدمیت در کتاب ارزشمند دانشمندان و سخن‌سرایان فارس می‌نویسد:

«قدسی را در اواخر عمر در گردن مرضی و در دست رعشه‌ای پیدا شد و بسیار تنگ‌دست و درویش شد و با نهایت سختی و عسرت زندگی می‌کرده، ولی مناعت طبع را از دست نداده بود و با نوشتن و فروختن قطعات به خط خود اعاشه می‌کرده، قدسی در سال ۱۳۲۱ شمسی در شیراز وفات یافت.»<sup>۷</sup>

استاد حسن امداد درباره‌ی سال تولد، قدسی سخن می‌گوید و می‌نویسد:

«به سال ۱۲۸۸ ه.ق در شیراز به دنیا آمد و در سال ۱۳۲۱ شمسی درگذشت و در غرب حافظیه رخ در نقاب خاک کشید.»<sup>۸</sup>

ماحصل آن چه از زندگی و احوال و آثار قدسی خوانده‌ایم، آن است که:

۱- «قدسی»، تخلص شاعر است و او شاعری را از جوانی آغاز کرده است واز هنگامی که ۲۵ سال داشته است به شاعری نامور بوده است، فرصت، داور، دیوان‌بیگی، شعاع و آدمیت و دیگران به این صفت ویژه او اشاره کرده و وی را در شعر فارسی و عربی استاد دانسته‌اند: «کتابه العبد المذنب المحتاج، ابن الحاج میرزا سلطان علی، محمد الحسینی، متخلص بالقدسی»

فرصت‌الدوله، ضمن شرح احوال او در «آثار عجم» و «دریای کبیر»، بسیاری از اشعار او را ذکر کرده و نوشته است که در «گفتن اشعار عربی و فارسی، صاحب ذوق

<sup>۶</sup> همان جا، ۱۴۲۴.

<sup>۷</sup> آثار عجم، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، ص ۱۲۲.

<sup>۸</sup> دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ص ...

سلیم و طبع مستقیم است، لآلی منظومی که گاه‌گاهی از افکار ابکار خویش به سلک اشارت و عبارت ساخته، دفتری پرداخته از قصیده و مثنوی و غزل و رباعی<sup>۹</sup> اما شعاع، ضمن ضبط چند بیت شعر از وی در باره‌ی شاعری قدسی می‌نویسد که: «این اشعار برگزیده‌ی گفتار اوست که در نظر خودش بسیار نیکوست»<sup>۱۰</sup> و دیوان‌بینگی هم تقریباً همچون شعاع می‌اندیشد و می‌نویسد: «طبع هم دارد و اصرار در گفتن شعر و پیروی مضامین می‌نماید بل که گاهی هم عرفان‌بافی می‌کند لیکن هم اول عمر است و هم در شیراز انجمن شعرا منعقد نمی‌شود که تصحیح و تکمیل کند»<sup>۱۱</sup>

شادروان علی‌اصغر حکمت شیرازی در یادداشت‌های روز دوشنبه دهم جمادی‌الاول سال ۱۳۳۲ هجری قمری برابر با ۶ آوریل ۱۹۱۴، از ملاقات خود با قدسی و دیدن مجموعه اشعار او یاد می‌کند و می‌نویسد:

«به مسجد نو آمدیم و در سایه‌ی درخت‌ها نشستیم، میرزای قدسی آمد، کتاب خطی داشت و می‌گفت دیوان اشعار من است، قصیده‌ای در عرفان و حقایق و معرفت نفس خواند که مطلعش این است که:

آدمی را ز ازل تا به ابد مرحله‌ها است

در فنا ثابت و سایر سوی اقلیم بقاست

بسیار معانی متینه را انشاء نموده بود، از مشارالیه آن کتاب را

خواستم که ببینم، وی ابا کرد و نداد...»<sup>۱۲</sup>

<sup>۹</sup> آثار عجم، جلد اول، ص ۱۲۲.

<sup>۱۰</sup> تذکره شعاعیه، ص ۴۲۲.

<sup>۱۱</sup> حدیقه الشعرا، ص ۱۴۲۵.

<sup>۱۲</sup> علی‌اصغر حکمت شیرازی، ره‌آموز حکمت، به تصحیح دکتر دبیر سیاقی، حدیث امروز، قزوین، ۱۳۸۳،

۲- قدسی، خطاط است و به ویژه در خط نستعلیق استاد و « بر خطوط متقدمین، خط نسخ کشیده و از شیوه‌ها، سبک میرعماد حسنی را اختیار نموده و طرز پسندیده‌ی او را که به طول زمان از میان رفته بود، پدیدار ساخته و رواج داده است و به قول داور (شیخ مفید) خط نستعلیق را خوب می‌نویسد، بل که سرآمد اهل آن خط است اگر چه برخی از هم‌زمانانش چون شعاع‌الملک شیرازی به این مهارت وی به گونه‌ای دیگر نگریسته‌اند که: «دعویش در خوشنویسی بی‌حد است و در نوشتن خط نستعلیق، دعوی میری می‌کند و از همگان نکته‌گیری.»

قدسی، آثارالعجم فرصت‌الدوله را به مرکب چاپ می‌نویسد و دیوان حافظ مشهور به قدسی، به خط اوست «بسا که فقیر جزوی را به مرکب چاپ می‌نوشتم و پس از نوشتن بر غلط آن، آگاه می‌شدم یا آن که نسخه تازه‌ای به دست می‌آمد و کلمه یا بیت‌ی مغایر با آن چه موجود بود، آشکار می‌شد بر حاشیه، می‌نگاشتم زیرا که این همه تغییر و تبدیل و حک و اصلاح، کمال عسرت داشت.»<sup>۱۳</sup>

قدسی، در این چاپ از دیوان حافظ، همه جا، خود را محرر و کاتب دیوان می‌خواند که متن و حواشی دیوان حافظ را در سال ۱۳۲۲ ه.ق تحریر کرده است. به قول مرحوم رکن‌زاده آدمیت، در اواخر عمر با وجود رعشه‌ی دست و ناراحتی گردن، با نوشتن و فروختن به خط خود، اعاشه می‌کرد و مناعت را از دست نمی‌داد.

۳- قدسی تصحیح و تنمیق‌کننده‌ی دیوان حافظ است و به قول خودش، آن را از سال ۱۳۱۴ ه.ق آغاز و به سال ۱۳۲۲ به پایان می‌رساند:

«خدای متعال می‌داند که در این سنوات چه شب‌ها را به روز آوردم که در فکر بدقیق و توفیق این دیوان خجسته بنیان بودم و چه روزها را شام کردم، راه انجمن‌ها پیمودم و به مشورت ادبا و شعرا،

<sup>۱۳</sup> دیوان حافظ به خط قدسی، از انتشارات اتحادیه مطبوعاتی فارس، شیراز، ص ۴۸۶.

گرهی از این کارگشودم و هشت سال است که در این کارم، گاه

تصحیح نموده و گاه، می‌نگارم»<sup>۱۴</sup>

قدسی تصحیح دیوان حافظ را در روز جمعه سوم ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۲ به پایان می‌رساند، اما در هشت سالی که صرف تصحیح این دیوان می‌کند می‌کوشد تا با امانت و حوصله و دقت محققانه در حد فهم خود و دانش‌های زمان وی این کار را انجام دهد و برای این کار:

اولاً: کاملاً با همان مشکلات و مسائلی روبه‌روست که امروزه نیز هر مصحح دیوان حافظ در روزگار ما با آن مواجه شده است و دچار حیرت و سرگردانی و حتی یأس شده است!

«یاللعجب! چون شروع به نوشتن کردم از نسخه‌ای که در او گمان صحت بود، در صفحه اول چند غلط بود، پنج شش ورق را نگاه کردم، آه از دل بر آوردم که اگر تا آخر چنین باشد، کارزار است و درست نمودن به راستی دشوار، افسوس که تمام کتاب چنین بود بلکه تمام کتاب‌ها چنین»<sup>۱۵</sup>

ثانیاً: در آن روزگار نسخه‌های خطی فراوانی در شیراز است که قدسی آن‌ها را گرد می‌آورد و به مقایسه آن‌ها می‌پردازد اما می‌بیند که کفاف نمی‌دهد و گرهی از کار نمی‌گشاید، زیرا بسیار مغشوش است:

« دامن همت بر میان زدم و از پی جمع دواوین (حافظ) قدیمه بر آمدم، زیاده از پنجاه مجلد که به عاریه و ابتیاع فراهم آمد، باز - اگر حمل بر مبالغه ننمایند - کفاف نمی‌داد، نه چنان ایسن کتاب نفیس

<sup>۱۴</sup> دیوان حافظ به خط قدسی، ص ۴۸۳.

<sup>۱۵</sup> همان جا.

(دیوان‌های حافظ) مغشوش گشته بود که بدین اسباب، خالص

آید.<sup>۱۶</sup>

ثالثاً: قدسی بر آن می‌شود تا نسخه‌ای را به عنوان، نسخه اصلی برای مقایسه با نسخ دیگر انتخاب کند:

«کتابی که قطع آن بزرگ است و خطش دو دانگ و به امر سلطان عادل باذل، کریم خان زند نوشته شده و رقم نگارنده‌اش «محمد علی‌الحسینی» است و بر بقعه‌ی خواجه علیه‌الرحمه موقوف است، اگر چه از نسخه‌های دیگر بسیار ممتاز است و در این روزگار متداول، غالباً بدان مکان می‌رفتم و از آن در تصحیح بهره‌ی می‌گرفتم و لیکن، آن هم اغلاط بسیار دارد، تاریخ تحریرش ۱۱۹۱ است.»<sup>۱۷</sup>

اما اندکی بعد نسخه‌ای قدیمی‌تر به خط خوش پیدا می‌کند که به سال ۹۷۰ هجری تحریر شده است ولی بعضی از اوراق آن از بین رفته و جزیی از اواخر آن نابود شده است و چندان باری از دوش مصحح برنمی‌دارد و در چند ورق اول «... تفضیلی شکایت‌آمیز از کتاب بی‌تمیز و ویران گشتن اساسی این دیوان ذکر نموده و می‌نگارد که سلطان فریدون‌حسین بهادرخان فرمود که دواوین متعدده و مجلدات کثیره از دیوان لطایف بیان (حافظ) جمع آورند و خود به نفس نفیس با جمعی کثیر از فضلالی انیس و ندمای جلیس به جمع و تصحیح این کتاب مستطاب مبادرت فرمودند، چنان چه بسیاری از غزل‌های دل‌فریب جان‌بخش که به واسطه‌ی کاهلی و تصرف کتاب از صفحه‌ی روزگار مهجور و نامشهور مانده بود، سلک ربط و تنقیح آن بر وجهی دست داد که فی‌الحقیقه اکنون رشک نگارخانه‌ی چین و غیرت فردوس برین است.»<sup>۱۸</sup>

<sup>۱۶</sup> همان جا.

<sup>۱۷</sup> همان جا، ص ۴۸۳.

<sup>۱۸</sup> همان جا، ص ۴۸۴.



قدسی این نسخه را هم با نسخه‌های قبلی می‌سنجد و می‌نویسد که:

«از غرایب این که آن چه را فقیر در سال‌های قبلی تصحیح نموده بود، اکثر با این کتاب (نسخه) موافق افتاد، اما دریغ که این کتاب نیز بعضی از اوراقش به جهت اندراس از میان رفته و به ویژه جزوی چند از اواخر آن به کلی نابود است، چندان باری از دوشم بر نداشت  
 ۱۹...»

رابعاً: قدسی می‌کوشد تا در تصحیح و تنسیق دیوان حافظ، نهایت امانت را به کار برد و در این راه با مشکلات عظیمی روبه‌روست که خود به یکایک آنها اشارت دارد:

«منخفی نیست که در غزلیات خواجه علیه‌الرحمه، بسا که قوافی مکرر است و این می‌تواند بود که یک قافیه را در دو (بیت) شعر یا بیشتر آورده که یکی را (بعداً) انتخاب و اختیار فرماید (اما) همین طور که در مسوده بوده، جامع نیز جمع و استکتاب نموده، این وجهی است و وجوه دیگر نیز دارد.»<sup>۲۰</sup>

خامساً: قدسی ناگزیر بوده است که گاهی صورت‌های بهتر و برتری را که در نسخه‌های مختلف می‌دیده است، جایگزین دست‌نوشته‌های قبلی خود سازد و به همین دلیل در ترجیح نسخه‌ای بر نسخه‌ای دیگر، بر اساس ذوق یا استدلال و منطق ادیبانه‌ی خود، صورتی را برمی‌گزیند و در متن یا حاشیه ضبط می‌کرده است:

«بسا که فقیر، جزوی را به مرکب چاپ می‌نوشتم و پس از نوشتن، بر غلط آن آگاه می‌شدم یا آن که نسخه‌ی تازه‌ای به دست می‌آمد و کلمه یا بی‌تی، مغایر با آن چه موجود بود آشکار می‌شد، بر حاشیه می‌نگاشتم زیرا که این همه تغییر و تبدیل و حک و اصلاح،

<sup>۱۹</sup> همان جا، ۴۸۵.

<sup>۲۰</sup> همان جا، ص ۴۸۵.

کمال عسرت داشت و بعضی اوقات مغایر را به عمد، بر حاشیه نوشته‌ام تا بدانند که اصل آن چه بوده یا آن که آن چه در متن است بهتر بوده و حاشیه را محض آگاهی بر مغایرت نسخه‌ها، ثبت نموده‌ام. به هر صورت بیتی و مصرعی و کلمه‌یی، بلکه نقطه‌یی، زیاد و کم نکرده‌ام مگر آن چه در نسخه دیده‌ام.<sup>۲۱</sup>

۴- قدسی علاوه بر تحریر و تصحیح و تنسیق دیوان حافظ، کوشیده است تا با افزودن توضیحات و حواشی مفید، این چاپ دیوان حافظ را برای خوانندگان، پر فایده‌تر سازد و برای این کار دو نوع توضیح را در حاشیه‌ی و هامش کتاب درج کرده است:

الف. توضیحات متن شناسنامه مثلاً: «باده‌پیما»: در بعضی از نسخ «باد پیما» بدون «ها» نوشته شده (ص ۴۶) یا «این بیت در چند نسخه که بعد ملاحظه شد نبود و به جای آن در بعضی از نسخه‌های این شعر است:

بس که در خاک درش ناله‌کنان دید مرا      گفت بردار سر عجز ز خاک درها

و این بهتر است از جهت عدم تکرار قافیه» (ص ۴۸)

ب. توضیحاتی مبنی بر معنی لغات، توضیح اسامی یا شرح یک بیت مانند:

«بربط»: به فتح دو باء، سازی است شبیه طنبور و بعضی نوشته‌اند که آن معرب «بربت» است یعنی سینه‌ی ببط که مرغابی است... (غزل ۱۶۷)

«جام جهان نما»: در اصل عبارت است از جام کبخسرو که احوال خیر و شر عالم از آن معلوم می‌شده... (غزل ۱۶۸)

<sup>۲۱</sup> همان جا، ص ۴۸۶.

ناگفته نماند که توضیحات ارایه شده در حواشی جز معدودی که فاقد نام نویسنده است، به وسیله داور، قدسی و فرصت‌الدوله نگاشته شده است که بیشترین این توضیحات را مرحوم شیخ مفید، داور، نگاشته است و به نظر می‌رسد که قدسی، آن‌ها را از تالیفی که شیخ در شرح دیوان حافظ داشته و متأسفانه امروزه از آن اطلاعی در دست نیست، برداشته است؛ آن چنان که قدسی در ذیل خود بر دیوان حافظ می‌نگارد:

«که بسیاری از حواشی، مختصری است از کتابی که علامه زمان و

نحیر دوران، مولانا الرشیدالشیخ مفید المتخلص به داور در شرح

دیوان خواجه علیه‌الرحمه نگاشته‌اند...»<sup>۲۲</sup>

به عنوان نمونه در صد غزل نخست دیوان حافظ، ۱۹۰ توضیح مربوط به داور و

۲۲ توضیح مربوط به خود قدسی است و از فرصت‌الدوله نیز در کل دیوان بیش از ۲۰ توضیح آمده است.

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵- چاپ قدسی از دیوان حافظ: *رتال جامع علوم انسانی*

اولین بار دیوان حافظ به سال ۱۱۶۹ش برابر ۱۲۰۶ ق و ۱۷۹۱هـ. قمری در کلکته به دستور مستر جانس انگلیسی با تصحیح ابوطالب تبریزی به چاپ رسید و پس از آن چاپ‌های معروف حکیم پسر وصال، اولیاء سمیع به زیور طبع آراسته شد و تا آن جا که می‌دانیم پیش از چاپ قدسی ۴۸ چاپ مختلف تاریخ‌دار از دیوان حافظ به انجام رسیده بود.<sup>۲۳</sup>

<sup>۲۲</sup> همان جا، ص ۴۸۶.

<sup>۲۳</sup> مهرداد نیکنام، کتاب‌شناسی حافظ، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷، صص ۱ تا ۷.

نخستین چاپ دیوان حافظ قدسی در سال ۱۲۷۶ ش برابر با ۱۳۱۴ ق، یعنی ۱۰۷ سال پس از چاپ جانس به قطع رقعی و در ۴۹۶ صفحه در بمبئی و به چاپ قدسی معروف شد و به شهرت و احترام و اعتبار خاصی در جامعه ادبی، دست یافت آن چنان که تا قبل از چاپ قزوینی - غنی یکی از متداول‌ترین و مشهورترین چاپ‌های دیوان حافظ به شمار می‌آمد و بارها در هند و ایران به چاپ رسید مهم‌ترین چاپ‌های تاریخ‌دار بعدی دیوان حافظ قدسی در سال ۱۳۲۲ (: ۱۲۸۳ شمسی) در ۴۹۹ ص در مطبع ناصری بمبئی، در سال ۱۳۲۳ در قطع خشتی در هند و در سال ۱۳۵۳ به وسیله‌ی انتشارات ابن‌سینا در تهران با مقدمه شادروان علی‌اصغر حکمت‌شیرازی و یک بار در شیراز به وسیله اتحادیه مطبوعاتی فارس در ۴۹۶ به طبع رسید که عنوان روی جلد کتاب چنین بود: «کلیات دیوان حافظ شیرازی به تصحیح و تحشیه دوازده نفر از دانشمندان و شعرای مشهور با ترجمه لغات مشکله، کامل‌ترین و صحیح‌ترین نسخه معروف به حافظ قدسی.» (که معلوم نیست مستند تصحیح و تحشیه دوازده نفر از دانشمندان و شعرای مشهور چیست).

در سال ۱۳۶۴ انتشارات اسکندری تهران این نسخه را در ۵۱۲ صفحه به قطع وزیری انتشار داد و در همان سال این نسخه از دیوان حافظ «با شرح ایسات و توضیح لغات، بر اساس نسخه قدسی» با مقدمه و تحقیق عزیزالله کاسب در تهران به وسیله انتشارات رشیدی در ۷۱۶ صفحه به زیور طبع آراسته گشت.

آخرین چاپ دیوان حافظ قدسی به تصحیح آقایان دکتر حسن ذوالفقاری و ابوالفضل علی‌محمدی در تابستان ۱۳۸۱ در ۸۲۸ صفحه به وسیله نشر چشمه در تهران به انجام رسیده است که در این نسخه، حافظ چاپ قدسی با چهار نسخه چاپی معتبر یعنی چاپ‌های قزوینی - غنی - خانلری، سایه و سلیم نیساری مقابله شده است و کشف‌الایات و فرهنگ لغات به آن افزوده گردیده است، متن قدسی حروف‌چینی شده و دیگر به خط قدسی نیست و متأسفانه ذیل قدسی که در صفحات ۴۸۳ تا ۴۸۷ چاپ اتحادیه مطبوعاتی فارس آمده است و قدسی در آن داستان نگارش و تصحیح این چاپ

را در آن جا آورده است، ندارد و در برابر بعضی از رباعیاتی که در چاپ قدسی نیامده و در سه نسخه دیگر ضبط شده به متن اضافه شده است بدین ترتیب این چاپ که از جامعیت و تازگی های چندی برخوردار است، دیوان چاپ قدسی را امروزی کرده است و برای خوانندگان روزگار ما خواندنی تر ساخته است و دارای فواید علمی و ادبی و متن شناسانه فراوان است.

اما این چاپ دیوان حافظ قدسی، علی رغم زحمات طاقت فرسا و تلاش هایی که کوشندگان ارجمند آن نشان داده اند، دارای این مشکل است که در اساس دارای اعتبار علمی و تحقیقی نیست و مقایسه چاپ قدسی با چاپ های قزوینی - غنی، خانلری، سایه و سلیم نیساری، تنها می تواند نقایص و ضعف های چاپ دیوان حافظ قدسی را بر ملا سازد زیرا:

۱- چاپ قدسی هم چنان که می دانیم و قبلاً اشاره کرده ایم مبتنی بر نسخ خطی اقدم و اصح شناخته شده نیست و قدیم ترین نسخه مورد استاد و تاریخ دار آن مربوط به قرن دهم یعنی سال ۹۷۰ هجری است، حال آن که در چاپ قزوینی، نسخی که به عصر حافظ بسیار نزدیک هستند و در قرن نهم کتابت شده اند، مورد استفاده قرار گرفته است و فی المثل نسخه ی خطی مرحوم سید عبدالرحیم خلخالی در سنه ی ۸۲۷ نگاشته شده است که فقط سی و پنج سال بعد از وفات حافظ کتابت شده است و علی رغم این که قدسی به ۵۰ نسخه خطی مختلف مورد مقایسه اشاره می کند، کیفیت هیچ یک از نسخه ها و مبانی گزینش خود را روشن نمی سازد و طبعاً به این نتیجه می رسیم که گزینش های قدسی ذوقی، اجتهادی و شخصی است و در هیچ جا موارد جزیی و کلی اختلافات نسخ دقیقاً نشان داده نمی شود.

۲- تعداد غزل های چاپ قدسی ۶۰۰ غزل است که در مقایسه با معتبرترین چاپ های دیوان حافظ، حدود ۱۰۵ غزل اضافه دارد. بدین معنی که در چاپ قزوینی ۴۹۵ غزل، چاپ خانلری با ۴۸۶ غزل چاپ سایه با ۴۸۴ غزل و چاپ نیساری ۴۷۶

غزل دارد و این ۱۰۵ غزل اضافی، نشان می‌دهد که قدسی یا نویسندگان نسخه‌های مورد مراجعه او، با گشاده‌دستی بسیاری از غزل‌های یازده شاعر معروف و بسیاری از غزلیات شاعران دیگر را بر متن اصلی افزوده‌اند و غزل‌هایی از نزاری قهستانی (غزل ۱۴ و ۸)، حافظ شانه‌تراش (غزل ۱۶)، سلمان ساوجی (غزل ۲۲)، ملک جهان خاتون (غزل ۷۵)، عبدالمجید (غزل ۱۳۰)، سلمان (غزل ۲۳۹)، جلال‌عضد (غزل ۲۵۲)، بهاء‌الدین زنگانی (غزل ۲۹۸)، اوحدی مراغه‌ای (غزل ۳۰۰)، ابن‌حسام خوسفی (غزل ۳۶۵)، امیرخسرو دهلوی (۵۴۵)

۳- در بخش‌های غیرغزل ترکیب‌بندها، ترجیع‌بندها، قصیده‌ها، مخمس، مثنوی‌ها، ساقی‌نامه‌ها، قطعه‌هایی که آمده است که در نسخ معتبر یکسان نیست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی